

برنامہٴ داؤد جان دُو



انتشارات
۸۴۸

تفسیر استقلالی قرآن

مبانی و پیش فرض‌ها

دکتر عباس اسماعیلی زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر محمدمهدی آجیلیان مافوق

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

سرشناسه: اسماعیلی‌زاده، عباس، ۱۳۵۶-
 عنوان و نام پدیدآور: تفسیر استقلالی قرآن: مبانی و پیش‌فرض‌ها/ عباس اسماعیلی‌زاده، محمدمهدی آجیلیان
 مشخصات نشر: مافوق؛ ویراستار علمی حسن حکیم‌باشی؛ ویراستار ادبی هانیه اسدپور فعال مشهد.
 مشخصات ظاهری: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۱.
 فروست: ۲۶۰ ص.
 شابک: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۸۴۸.
 وضعیت فهرست‌نویسی: فایا.
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۷] - ۲۵۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.. نمایه.
 یادداشت: این کتاب در اصل پایان‌نامه نویسنده در مقطع دکتری است.
 موضوع: تفسیر قرآن با قرآن
 *Koran -- Commentaries by the Koran
 Qur'an -- Shiite hermeneutics -- Criticism and interpretation
 Koran -- Criticism, Interpretation, etc -- Technique
 تفسیر شیعه -- نقد و تفسیر
 تفسیر -- فن
 آجیلیان مافوق، محمدمهدی
 حکیم‌باشی، حسن، ویراستار
 دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
 شناسه افزوده: BP۹۱/۵
 شناسه افزوده: ۲۹۷/۱۷۱
 رده‌بندی کنگره: ۹۰۰۱۹۲۰
 رده‌بندی دیویی: شماره کتابشناسی ملی:

تفسیر استقلالی قرآن؛ مبانی و پیش‌فرض‌ها

پدیدآورندگان: دکتر عباس اسماعیلی‌زاده؛ دکتر محمدمهدی آجیلیان مافوق
 ویراستار علمی: حسن حکیم‌باشی
 ویراستار ادبی: هانیه اسدپور فعال مشهد
 مشخصات: وزیری، ۱۰۰ نسخه، چاپ دوم، زمستان ۱۴۰۴ (اول، ۱۴۰۱)
 چاپ و صحافی: همیار
 بها: ۴/۴۰۰/۰۰۰ ریال



انتشارات
۸۴۸

حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
 تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
 مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست
 گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
 مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
 تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir

فهرست مطالب

سخن مؤلفان	۷
پیشگفتار	۹
فصل ۱. مفاهیم و کلیات	۱۵
۱-۱ تفسیر	۱۵
۲-۱ مبانی تفسیر	۱۷
۳-۱ قواعد تفسیر	۱۹
۴-۱ منابع تفسیر	۲۱
۵-۱ روش تفسیر	۲۳
۶-۱ سیاق	۲۵
۱-۶-۱ سیاق در لغت	۲۵
۲-۶-۱ سیاق در اصطلاح	۲۶
۳-۶-۱ شرایط تحقق سیاق	۲۸
۷-۱ نظریه تفسیر استقلالی قرآن	۲۹
فصل ۲. نوشتاری بودن زبان قرآن	۳۳
۱-۲ تعریف متن	۳۳
۲-۲ تعریف دیسکورس	۳۵
۱-۲-۲ دیسکورس در زبان شناسی	۳۵
۲-۲-۲ دیسکورس در هرمنوتیک	۳۶
۳-۲ انواع دیسکورس	۳۷
۴-۲ شاخصه‌های دیسکورس گفتاری و نوشتاری	۳۸
۵-۲ تحلیل زبان قرآن: گفتاری یا نوشتاری بودن	۴۲
۱-۵-۲ پیشینه	۴۲
۲-۵-۲ منظور از گفتاری یا نوشتاری بودن زبان	۴۴
۳-۵-۲ نظریات مختلف درباره گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن	۴۴
۴-۵-۲ دلایل اثباتی گفتاری بودن زبان قرآن	۴۵
۱-۴-۵-۲ وجود قراین حالی و مقامی مربوط به بافت موقعیتی در گفتار	۴۵
۲-۴-۵-۲ وجود جملات معترضه و عدم وجود تناسب سیاقی کلام در گفتار	۴۸
۳-۴-۵-۲ وجود برخی کارکردهای زبانی در گفتار مانند التفات	۴۹
۴-۴-۵-۲ قراین موجود در موقعیت ایراد کلام و معهود مخاطبان	۵۰
۵-۴-۵-۲ تنوع موضوعی فراوان در گفتار؛ برخلاف وحدت موضوعی در نوشتار	۵۱
۶-۴-۵-۲ استفاده از ویژگی‌های خطابه و گونه‌های مختلف بیان در گفتار	۵۲

- ۵۲ ۷-۴-۵-۲ تکرارهای مشابه و متفاوت.
- ۵۳ ۸-۴-۵-۲ کوتاهی سخن در گفتار
- ۵۴ ۵-۵-۲ ارزیابی دلایل اثباتی گفتاری بودن زبان قرآن
- ۵۴ ۱-۵-۵-۲ دلایل مختصّ زبان گفتار
- ۵۶ ۲-۵-۵-۲ دلایل مشترک میان زبان گفتار و نوشتار
- ۶۱ ۶-۲ تحلیل زبان قرآن و مقایسه آن با شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری
- ۶۱ ۱-۶-۲ معنای مراد خداوند از آیات قرآن، مقدم بر دیسکورس
- ۶۳ ۲-۶-۲ تثبیت (انجماد) دیسکورس در متن قرآن
- ۶۶ ۳-۶-۲ دلالت‌های نامحدود و بی‌پایان متنی قرآن
- ۶۷ ۴-۶-۲ عدم امکان گفت‌وگوی مستقیم با خداوند
- ۶۸ ۵-۶-۲ نامحدود بودن مخاطبان قرآن
- ۶۹ ۶-۶-۲ ضرورت وجود دیسکورس درون‌متنی در قرآن
- ۷۱ **فصل ۳. قصدی‌گرایی زبان‌شناختی**
- ۷۱ ۱-۳ معنای متن و قصد مؤلف
- ۷۲ ۱-۱-۳ استقلال معنایی متن
- ۷۲ ۱-۱-۳ دیدگاه ساختارگرا
- ۷۴ ۲-۱-۳ دیدگاه مفسّر‌محور
- ۷۶ ۳-۱-۳ دیدگاه متن‌محور
- ۷۸ ۲-۱-۳ قصدی بودن معنای متن
- ۷۹ ۱-۲-۳ دیدگاه شلایر ماخر
- ۸۰ ۲-۲-۳ دیدگاه دیلتای
- ۸۱ ۳-۲-۳ دیدگاه عالمان مسلمان
- ۸۴ ۲-۳ متن و رویکردهای سه‌گانه دستیابی به قصد مؤلف
- ۸۵ ۱-۲-۳ قصدی‌گرایی روان‌شناختی
- ۸۵ ۱-۱-۲-۳ قصدی‌گرایی روان‌شناختی در هرمنوتیک
- ۸۷ ۲-۱-۲-۳ ارزیابی اعتبار قصدی‌گرایی روان‌شناختی در هرمنوتیک
- ۸۸ ۳-۱-۲-۳ قصدی‌گرایی روان‌شناختی در تفسیر
- ۹۱ ۴-۱-۲-۳ ارزیابی اعتبار قصدی‌گرایی روان‌شناختی در فهم و تفسیر قرآن
- ۹۸ ۲-۲-۳ قصدی‌گرایی تاریخی
- ۹۸ ۱-۲-۲-۳ دیلتای و تاریخی‌گرایی
- ۹۹ ۲-۲-۲-۳ عالمان مسلمان و تفسیر تاریخی قرآن
- ۱۰۴ ۳-۲-۲-۳ ارزیابی اعتبار قصدی‌گرایی تاریخی در فهم و تفسیر قرآن
- ۱۰۹ ۳-۲-۳ قصدی‌گرایی زبان‌شناختی
- ۱۱۰ ۱-۳-۲-۳ حالت‌های سه‌گانه در رابطه میان معنای متنی و معنای قصدی
- ۱۱۱ ۲-۳-۲-۳ چگونگی دلالت متن بر مراد مؤلف از دیدگاه اصولیان شیعه
- ۱۱۵ ۳-۳-۲-۳ قصدگرایی در چهارچوب دلالت متن

۱۱۷.....	فصل ۴. استقلال قرآن از فرامتن
۱۱۷.....	۱-۴ فرامتن و شمول معنایی آن
۱۱۸.....	۱-۱-۴ زمینه تاریخی مفسر
۱۱۹.....	۲-۱-۴ زمینه تاریخی متن
۱۲۰.....	۳-۱-۴ یافت موقعیتی مؤثر در شکل‌گیری و انتقال معنا
۱۲۱.....	۲-۴ یافت، دلالت و معنا
۱۲۲.....	۱-۲-۴ یافت درون‌زبانی و یافت برون‌زبانی
۱۲۴.....	۲-۲-۴ یافت متنی و یافت فرامتنی
۱۲۵.....	۳-۴ سازوکارهای متنی دستیابی به فرامتن
۱۲۶.....	۱-۳-۴ ارجاع
۱۲۷.....	۲-۳-۴ استنتاج
۱۲۸.....	۳-۳-۴ هم‌معنایی
۱۲۸.....	۴-۳-۴ تضاد معنایی
۱۲۹.....	۴-۴ تفسیر استقلالی قرآن و چالش کشف فرامتن
۱۳۰.....	۱-۴-۴ زمینه تاریخی سوره تحریم با توجه به روایات شأن نزول
۱۳۲.....	۲-۴-۴ زمینه تاریخی سوره تحریم با توجه به دلالت‌های متنی آیات
۱۳۵.....	۳-۴-۴ مقایسه زمینه تاریخی برآمده از شأن نزول‌های سوره با تحلیل محتوایی سوره
۱۳۶.....	۵-۴ نظریه استقلال دلالی قرآن و یافت موقعیتی: بررسی آیه ۱۵۸ سوره بقره
۱۳۸.....	۱-۵-۴ روایات اسباب نزول
۱۴۰.....	۲-۵-۴ روایات ترتیب نزول و تاریخ نزول سوره بقره
۱۴۲.....	۳-۵-۴ ادله ترجیح تاریخ‌گذاری
۱۴۳.....	۲-۳-۵-۴ شواهد و فراین موجود در روایات اسباب نزول
۱۴۵.....	۴-۵-۴ بررسی دلالت متنی آیه ۱۵۸ سوره بقره
۱۴۷.....	فصل ۵. استقلال قرآن از سایر منابع تفسیر
۱۴۷.....	۱-۵ دو رویکرد در فهم و تفسیر استقلالی آیات قرآن
۱۴۸.....	۲-۵ طبقه‌بندی منابع تفسیر
۱۵۰.....	۳-۵ منابع «پایه - اصلی» در تفسیر و نقش و جایگاه آن‌ها در فهم و تفسیر قرآن
۱۵۰.....	۱-۳-۵ قرآن کریم
۱۵۲.....	۲-۳-۵ سنت
۱۵۲.....	۱-۲-۳-۵ حجیت سنت در فهم دین و قرآن
۱۵۶.....	۲-۲-۳-۵ منبع بودن سنت در فهم و تفسیر قرآن
۱۷۸.....	۳-۳-۵ عقل
۱۸۰.....	۱-۳-۳-۵ مفهوم‌شناسی واژه «عقل» در لغت و اصطلاح
۱۸۳.....	۲-۳-۳-۵ اقسام سه‌گانه عقل
۱۸۶.....	۳-۳-۳-۵ اعتبارسنجی اقسام عقل به‌عنوان منبع در تفسیر
۱۹۲.....	۴-۵ منابع «تابع - پیرو» در تفسیر و نقش و جایگاه آن‌ها در فهم و تفسیر قرآن

۱۹۲ ۱-۴-۵ دسته نخست
۱۹۳ ۲-۴-۵ دسته دوم
۱۹۳ ۱-۲-۴-۵ اجماع
۱۹۴ ۲-۲-۴-۵ کشف و شهود
۱۹۵ ۳-۴-۵ دسته سوم
۱۹۶ ۱-۳-۴-۵ تاریخ
۱۹۶ ۲-۳-۴-۵ علم
..... فصل ۶. اصالت قراین متصل و منفصل متنی قرآنی در دلالت‌یابی استقلالی آیات	
۱۹۹ ۱-۶ معنا و مقصود از قراین
۲۰۰ ۲-۶ مراحل سه‌گانه فهم و تفسیر استقلالی آیات قرآن
۲۰۱ ۳-۶ اصالت حروف در قرآن
۲۰۳ ۱-۳-۶ نصوص تاریخی بر اصالت حروف
۲۰۴ ۲-۳-۶ مفهوم‌سازی ویژه حرف لام در آیه خمس
۲۰۶ ۴-۶ اصالت واژگان در قرآن
۲۰۸ ۱-۴-۶ مقایسه مفهومی دو واژه «يُحَادُّ» و «يُشَاقُّ»
۲۰۹ ۱-۱-۴-۶ واژه «يُحَادُّ»
۲۱۱ ۲-۱-۴-۶ واژه «يُشَاقُّ»
۲۱۵ ۵-۶ اصالت تعابیر در قرآن
۲۱۷ ۱-۵-۶ تعبیر «مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ»
۲۱۸ ۲-۵-۶ تعبیر «وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا» و مقایسه آن با تعبیر «وَلَا يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا»
۲۱۸ ۳-۵-۶ تعبیر «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» و مقایسه آن با تعبیر «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»
۲۱۹ ۱-۳-۵-۶ تعبیر «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» اشاره به منافقان
۲۲۰ ۲-۳-۵-۶ تعبیر «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» اشاره به جریان‌ی خاص
۲۲۳ ۶-۶ اصالت سیاق در قرآن
۲۲۶ ۱-۶-۶ سیاق آیه
۲۳۰ ۲-۶-۶ سیاق آیات
۲۳۱ ۳-۶-۶ سیاق دسته‌ها
۲۳۳ ۴-۶-۶ سیاق سوره
۲۳۵ نتایج
۲۳۷ منابع
۲۵۱ نمایه آیات
۲۵۶ نمایه اعلام

سخن مؤلفان

از زمانی که در سال ۱۳۸۰ شمسی پایان‌نامه مقطع ارشد خود را با عنوان *علوم قرآنی از دیدگاه قرآن* نوشتم و بعد از آن با فعالیت‌های تدبیر در قرآن استاد حجّت‌السلام والمسلمین، محمدحسین الهی‌زاده، از آغازین مراحل شکل‌گیری‌اش تا همین اواخر همکاری کردم، همواره با این اندیشه زیسته‌ام که در فهم کلام الهی آنچه محور است و تعیین‌کننده، خود قرآن است.

حظ و آفری که در این مدت از مطالعه تفسیر *گران‌سنگ‌المیزان* داشته و دارم، به گونه‌ای که سالیانی این تفسیر کتاب بالینی‌ام بوده است، به جهت‌دهی و تعمیق این اندیشه کمک شایانی کرده است؛ اگر نگویم که اصل اندیشه را هم وام‌دار علامه طباطبائی بوده‌ام. چنان‌که بعد از مدت‌ها یافتم که دغدغه اصلی صاحب این تفسیر چیزی فراتر از روش تفسیر قرآن به قرآن بوده است؛ زیرا علاوه بر حضور پررنگ و معنادار روایات تفسیری و تفسیر عقلی در این تفسیر، مواردی را می‌توان یافت که مفسر *المیزان*، تفسیر روایی را بر دیگر روش‌ها ترجیح داده است که بررسی چند و چون آن به این مجال مربوط نمی‌شود. دغدغه یادشده همان محور و میزان قرار دادن قرآن در فهم خود است و این چیزی است که به سهولت از عنوان مختار علامه برای این اثر فهمیده می‌شود: *المیزان، فی تفسیر القرآن*.

ضرورت پرداخت روشمند به یک نظریه و طراحی عالمانه مبادی، مبانی، اصول و قواعد آن عزیمت‌گاه فکری دیگر نگارنده است؛ زیرا از یک سو بر آنم که فقدان بحث روش و روشمندی در مطالعات رشته علوم قرآن و حدیث که مدتی است به سوق یافتن اساتید و سوق دادن دانشجویان به سمت بهره‌گیری و به کاربردن روش‌های علوم دیگر در مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و حدیثی و از جمله تفسیر و فهم قرآن منجر شده است، خود عامل دیگری برای دوری از اندیشه محوریّت و میزان بودن قرآن در فهم قرآن است و از سوی دیگر شاهدیم که تشتت، تفرّق و اختلاف موجود در معدود آثار نگاشته‌شده درباره محورهای چهارگانه یادشده که اکثرشان به دوران معاصر محدودند، به گونه‌ای نیست که ما را از پرداخت کامل به اندیشه موردنظر از مبادی تا قواعدش مستغنی کند و البته از سوی سوم هر ایده‌ای می‌تواند بحث‌های خاص خود را در محورهای مذکور داشته باشد که ایده موردنظر این نوشتار نیز این گونه است.

پیگیری دغدغه‌های یادشده در کلاس‌های تدریس درس تفسیر در دانشگاه و حوزه علمیه و به‌ویژه با دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری به تدریج زمینه‌های لازم برای طراحی ایده تفسیر استقلالی قرآن را فراهم کرد. مناسب‌ترین جا برای تحقق این مهم در قالب رساله دکتری و با پژوهش دانشجویی بود که علاوه بر همراهی

فکری با صاحب ایده و پختگی لازم برای تبدیل کردن این ایده به پدیده، سالیانی همکاری قلمی در دیگر کارهای علمی این‌جانب داشته باشد.

براین‌اساس آنچه پیش‌روی خوانندگان گرامی قرار دارد، نتیجه تلاش‌هایی است در جهت طراحی و تبیین عالمانه و روشمند نظریه تفسیر استقلالی قرآن که موضوع و بذر اولیه آن را راقم این‌سطور در اختیار جناب دکتر محمدمهدی آجیلیان مافوق قرار داد و ایشان در قالب رساله دکتری به راهنمایی این‌جانب، با تلاش و ذوق علمی قابل تقدیر خود به سرانجام رسانده است. یادآوری این نکته ضروری است که ابتدا در نظر بود همه مباحث مربوط به مبادی، مبانی، اصول و قواعد در این اثر گنجانده شود که به جهت محدودیت حجمی و زمانی انجام کتاب از یک سو و آماده نبودن کامل ایده برخی بحث‌ها و لزوم دقت‌های علمی بیشتر برای عرضه آن‌ها به دانشیان قرآن و تفسیر از سوی دیگر موجب شد تا بحث‌های ارائه شده در اثر حاضر بیشتر درباره دو موضوع مبادی و مبانی نظریه باشد و بحث درباره اصول و قواعد به اثر دیگری که در دست تدوین است، واگذار شود.

در پایان خدا را شاکریم که توفیق انجام این خدمت را بر ایمان فراهم و هموار کرد و خاضعانه مسئلت می‌کنیم که این کارمان نیز مشمول نظر پاک خطاپوشش باشد و دعا می‌کنیم که همچنان توفیق الهی برای ادامه حرکت در مسیر خدمت به قرآن یار و یاورمان باشد. نیز می‌بایست از همه کسانی که نگارندگان را در چاپ و نشر این اثر علمی یاری کرده‌اند، تشکر و قدردانی کنیم: مدیریت نشر دانشگاه فردوسی مشهد و مسئول محترم آن، جناب دکتر حسین صابری، و داوران و ارزیابان مختلف کتاب از داوری اولیه تا ارزیابی علمی و ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی. از خوانندگان گرامی نیز درخواست می‌کنیم ما را از دقت نظرهای خود برای تکمیل نواقص و رفع معایب کار بهره‌مند کنند.

عباس اسماعیلی‌زاده

محمدمهدی آجیلیان مافوق

تابستان ۱۴۰۱

پیشگفتار

نظریه تفسیر استقلالی قرآن نظریه‌ای زیرشاخه روش تفسیر قرآن به قرآن است^۱. براساس بن‌مایه اصلی این نظریه، ملاک و محور تفسیر آیات، بیانات درونی قرآنی است و باوجود روشنگری‌ها و اشارات قرآنی، فهم درست مفاهیم آیات، منوط بر استمداد از آموزه‌های معرفتی سایر منابع نیست، اگرچه این نظریه آموزه‌های معرفتی مستند به روایات تفسیری، استدلال‌های عقلی و غیره را در جایگاه خود معتبر می‌داند و نقش و کارکردی‌های ویژه‌ای برای آن‌ها معتقد است.

متأسفانه بسیاری از محققان و قرآن‌پژوهان، این نظریه را با نظریه قرآن‌بسندگی که اقلیتی با نام «قرآنیون» مطرح کرده‌اند و دو حوزه فهم و عمل به قرآن را شامل می‌شود، پیوند داده و به نقد آن پرداخته‌اند. همین امر، کم‌توجهی به شالوده و بن‌مایه‌های اساسی این نظریه را باعث شده، به طوری که کارکردهای مهم این نظریه در رفع بسیاری از اختلافات و سوءبرداشت‌های تفسیری نادیده گرفته شده است. برخی نیز این نظریه را همان دیدگاه محققان اصولی شیعه دانسته‌اند که براساس قراین قطعی و مستند قرآنی و غیرقرآنی، توقف فهم قرآن در همه آیات به روایات را به صورت موجب کلیه نفی و رد می‌کند و اساساً نیازمندی به روایات در بعضی آیات یا برخی مراحل فهم به گونه موجب جزئی، مورد مناقشه این نظریه نیست. روشن است که براساس دیدگاه اخیر، نظریه تفسیر استقلالی قرآن برابر نظریه افراطی اخباریان قرار دارد و درصدد رد این نظریه و بازگشت به دیدگاه مشهور محققان اصولی شیعه است.

برای تبیین بهتر جایگاه نظریه تفسیر استقلالی قرآن برابر دو نظریه رقیب، بهتر است که هر سه نظریه در یک ساختار مقایسه‌ای و مشترک مطرح شوند.

درباره روش تفسیر قرآن به قرآن، براساس باور به میزان تأثیرگذاری منبع اصلی این روش، یعنی قرآن، در عرصه فهم و تفسیر سه نظریه شکل گرفته است:

نظریه نخست، نظریه قرآن‌بسندگی است. معتقدان به این نظریه، قرآن را نه تنها در عرصه فهم و تفسیر آیات، بلکه در عرصه‌های مختلف عمل به شریعت، تنها منبع معتبر دانسته و اعتبار و حجیت سنت را به دلایلی چون حیاتی نبودن، تاریخی و زمان‌مند بودن، وقوع وضع و تحریف و غیره رد می‌کنند.

نظریه دوم، نظریه نیازمندی قرآن به روایات در عرصه فهم و تفسیر است که خود دو شاخه دارد: شاخه نخست این نظریه، نیازمندی قرآن را به روایات در عرصه فهم و تفسیر، به صورت موجب کلیه می‌داند. این نظریه

۱. از این نظریه با عناوین دیگری مانند استقلال قرآن در فهم و تفسیر و دلالت استقلالی و استقلال دلایلی آیات قرآن یاد شده است.

همان نظر اخباریان است. شاخه دوم نظریه مورد بررسی، نیازمندی قرآن را به روایات در عرصه فهم و تفسیر به صورت موجه جزئی می‌پذیرد. این نظریه همان دیدگاه مشهور اصولیان شیعه است که اکثر مفسران شیعه نیز به آن معتقدند. براساس نظریه اخیر، قرآن کریم در مقام فهم و تفسیر مستقل از روایات نیست و این دو، یعنی قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، میراث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مکمل یکدیگرند و در عرصه فهم و تفسیر، حداقل در مواردی، تفسیر بدون استفاده از روایات یا اساساً ممکن و یا درست و صحیح نیست. به عبارت دیگر، فهم و تفسیر قرآن بدون استفاده از روایات، حداقل در بعضی از موارد، ناقص و به دور از مراد جدی و مطلوب خداوند است؛ برای مثال، براساس نظریه اخیر برخی معتقدند که آیه «إِنَّ الصَّافِ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» را بدون دانستن و مراجعه به سبب نزول آن نمی‌توان درست فهمید و تفسیر کرد و دچار سوء برداشت نشد؛ یا اینکه بر مبنای این نظریه، آیات مشهور در موضوع ولایت امامان شیعه را جز از طریق مراجعه به روایات نمی‌توان درست و متقن تفسیر کرد. در مجموع معتقدان به این نظریه، آیات فراوانی از قرآن را به عنوان مثال مطرح می‌کنند که فهم صحیح آن‌ها در گرو استفاده از روایات است.

نظریه سوم، نظریه تفسیر استقلالی قرآن است. براساس این نظریه، قرآن در بیان مراد و پیام هدایت بخش خداوند، مستقل از سایر منابع است و فهم آن منوط بر منبعی خارجی نیست. بنابراین تنها منبع برای فهم و تفسیر قرآن، خود آن است. گفتنی است این نظریه، به منبع بودن روایات معصومان علیهم‌السلام و استدلال‌ات عقلی در حوزه‌هایی خاص، از جمله جزئیات و تفصیل داستان‌ها، احکام شرعی، تأویل، بیان مصادیق و... معتقد است. به نظر می‌رسد نظریه تفسیر استقلالی قرآن، نظریه‌ای در تکمیل نظریه مشهور میان مفسران و اصولیان شیعه، یعنی شاخه دوم نظریه نیازمندی قرآن به روایات در عرصه فهم و تفسیر است. این نظریه در واقع در صدد پاسخ به مسائل سه گانه زیر است:

- أ. آیا می‌توان بدون استفاده از سایر منابع، از جمله روایات و عقل، قرآن را فهمید و تفسیر کرد؟
 - ب. اگر نظریه‌ای پاسخ به سؤال پیشین را مثبت بداند، از منظر این نظریه، نقش، تأثیر و کارکردهای انکارناپذیر منابعی چون روایات و عقل در عرصه فهم و تفسیر، چگونه قابل توضیح و تبیین‌اند؟
 - ج. در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال «أ»، بهره‌گیری از دلالت استقلالی قرآن (بدون استفاده از سایر منابع، از جمله روایات و عقل)، چگونه و براساس چه مبانی و پیش‌فرض‌هایی امکان‌پذیر است؟
- در پاسخ به سؤالات سه گانه یادشده، به نظر می‌رسد:

فخست- فهم و تفسیر آیات و دلالت‌های روشن و پنهان آن‌ها در سه سطح امکان‌پذیر است:

- ۱- فهم و تفسیر مستقل و بدون مراجعه به سایر منابع، ۲- فهم و تفسیر با استمداد از روایات و بیانات پیامبر و معصومان علیهم‌السلام، ۳- فهم و تفسیر با کمک عقل برهانی و استدلال‌های عقلی.

نکته مهم در این تقسیم‌بندی سه‌گانه این است که این سه سطح دارای رتبه‌اند و تا فهم در سطح نخست حاصل نشود، فهم در سطح دوم یا اساساً موضوعیت ندارد یا همان مفاهیم مربوط به سطح پیشین را بیان می‌کند. در مورد سطح سوم نیز مطلب همین‌گونه است؛ یعنی تا فهم و تفسیر در دو سطح نخست محقق نشود، فهم در سطح سوم موضوعیت ندارد. بنابراین هر سه سطح اگرچه در یک حوزه، یعنی فهم و تفسیر آیات قرآن نقش آفرین‌اند و مربوط به حوزه تأویل و فهم‌های باطنی آیات نیستند، در طول یکدیگر قابل تعریف‌اند؛ بدین معنا که در همان سطح که فهم و تفسیر مستقل به‌وسیله خود آیات امکان‌پذیر است، ممکن است در رتبه‌ای دیگر، به تبیین معصوم و در رتبه سوم به کمک عقل نیز نیاز باشد. البته فرضیه این پژوهش چنین است که در نخستین سطح، فهم و تفسیر آیات بدون بهره‌گیری و استمداد از سایر منابع امکان‌پذیر است. گفتنی است فهم و تفسیر در سطح نخست، فهم و تفسیر در دو سطح دیگر را نه به صورت تطابقی، بلکه به صورت التزامی یا تضمینی پوشش می‌دهد و بر آن‌ها نظارت دارد و بدین صورت امکان ارزیابی فهم‌های تفسیری روایی یا عقلی توسط خود قرآن امکان‌پذیر است.

دوم- قرآن کریم، پیامبر ﷺ (را مبین خود معرفی کرده است؛ نه مفسر خود، چنان‌که در آیاتی مانند «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/۴۴) و غیره تعبیر به تبیین شده است. باید گفت که تفسیر ناظر به کشف امر پوشیده و پنهان است، درحالی‌که تبیین به روشنگری در برابر امر روشن دلالت دارد. به نظر می‌رسد که با بررسی این اصطلاح خاص قرآنی و بیان ابعاد مختلف آن، بتوان بسیاری از کارکردهای خاص روایات معصومان علیهم‌السلام را در حوزه تبیین آیات دانست؛ حوزه‌ای که بنابر بیان قرآن و تأکید روایات، اگرچه غیرقابل انکار است، مرحله‌ای غیر از فهم و تفسیر به حساب می‌آید. عقل نیز به‌عنوان منبع در عرصه فهم و تفسیر قرآن، در فراوری و عمق‌بخشی به مفاهیم قرآنی مؤثر است.

سوم- مهم‌ترین پیش‌فرض در دلالت‌یابی استقلالی آیات قرآن، اصالت قراین متصل و منفصل متنی قرآنی است که در سه حوزه فهم نفسی یا سیاقی، فهم سیاقی و فهم موضوعی مطرح است. بررسی جامع مسائل سه‌گانه مطرح‌شده که در واقع شالوده اصلی و اساسی نظریه تفسیر استقلالی قرآن است، موضوع این کتاب بوده که در دو محور مبانی و پیش‌فرض‌های تفسیر استقلالی به آن پرداخته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

پیشینه موضوع این پژوهش را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- آثار و مقالاتی که با نگاه روش‌شناسی، به روش‌شناسی تفسیر قرآن به قرآن پرداخته‌اند؛ مانند خضیر، جعفر، تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبائی؛ الاوسی، علی، الطباطبائی و منهجه فی تفسیر المیزان؛ رجبی، محمود، مفهوم‌شناسی تفسیر قرآن به قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی؛ اسلامی، علی، مفهوم‌شناسی تفسیر قرآن به قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی؛ فتحی، علی، مبانی قرآنی تفسیر قرآن به قرآن؛ سجادی، سیدابراهیم، تفسیر قرآن به قرآن در آموزه‌های عترت و غیره.

۲- آثار و مقالاتی که به تبیین نقش سنت در تفسیر قرآن پرداخته‌اند، مانند منصور، محمدسعید، منزله السنه من الكتاب و اثرها فی الفروع الفقهي؛ طباطبائی، سید محمد کاظم، نقش روایات در فهم آیات؛ مرادی، محمد، رویکرد به روش تفسیر اثری (دلایل و عوامل)؛ متقی زاده، عیسی و دیگران، بررسی دیدگاه خاورشناسان در مورد قرآن بسندگی و نفی حدیث؛ مظلومی، علی اکبر، جایگاه احادیث پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در تفسیر قرآن؛ یدالله پور، بهروز، جایگاه سنت در روش تفسیر قرآن به قرآن؛ معرفت، محمدهادی، تفسیر قرآن به قرآن و جایگاه سنت؛ سجادی، ابراهیم، تفسیر قرآن به قرآن و جایگاه سنت؛ محمودی، ابراهیم، نقش احادیث معصومان در تفسیر قرآن؛ بابایی، علی اکبر، نیاز به روایات در تفسیر قرآن؛ غیره.

همان‌طور که از عناوین آثار یادشده در این دسته از منابع برمی‌آید و البته محتوای این آثار هم تأیید می‌کند، این آثار در صدد بیان جایگاه سنت در تفسیر قرآن به‌طور عام یا بیان جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن به‌طور خاص هستند. اگرچه این آثار به موضوع تفسیر استقلالی به‌طور عام و مبانی و پیش‌فرض‌های آن به‌طور خاص پرداخته‌اند، اما محتوای مجموع این گونه آثار که البته محدود به موارد یادشده در بالا نیستند، در تبیین یکی از مبانی تفسیر استقلالی آیات قرآن که در واقع نسبت‌سنجی میان تفسیر استقلالی و سایر روش‌های تفسیری است، مفید خواهد بود.

۳- آثار و مقالاتی که به گونه‌ای نسبتاً مستقل به موضوع یادشده پرداخته‌اند، مانند اسعدی، محمد، سایه‌ها و لایه‌های معنایی: درآمدی بر نظریه معنانشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات؛ نصیری، علی، رابطه متقابل قرآن و سنت؛ مهدی، عبدالنبی؛ روش صحیح تفسیر قرآن (تحلیل و نقد نظریه استقلال قرآن)؛ روشن ضمیر، محمد ابراهیم، جریان‌شناسی قرآن بسندگی؛ قدسی، احمد، نقد و بررسی نظریه استقلال قرآن در تفسیر؛ مهریزی، مهدی، رابطه قرآن و حدیث؛ رستم‌نژاد، مهدی، استقلال قرآن در بیان و نقش روایات در تفسیر از منظر علامه طباطبائی؛ الهی بخش، خادم حسین، دراسات فی الفرق: القرآنیون و شبهاتهم حول السنه؛ غیره.

در سه دسته آثار و مقالاتی که در بالا به مواردی از آن‌ها به‌عنوان نمونه اشاره شد، اگرچه به‌صورت پراکنده به گوشه‌هایی از موضوع این طرح‌نامه اشاره شده است، به‌طور مستقل، مبانی و پیش‌فرض‌های این نظریه بررسی نشده است. آنچه در آثار نام‌برده پررنگ‌تر است، تبیین، تحلیل، ارزیابی و نقد اصل نظریه استقلال قرآن در تفسیر است و جز در موارد اندک، به مباحث بنیادین این نظریه (مبانی) و مباحث کاملاً کاربردی و عملی این نظریه (قواعد) پرداخته نشده است. امید است که این پژوهش بتواند ضمن تشریح و تبیین مباحث بنیادین این نظریه، ظرفیت‌های کاربردی این نظریه را در حل اختلافات تفسیری نشان دهد.

ساختار تحقیق

این نوشتار در شش فصل، به شرح زیر سامان یافته است:

در فصل ۱ ادبیات کلیدی و کاربردی در این کتاب تبیین شده است. در این بخش، شش اصطلاح مبانی،

قواعد، منابع، روش، تفسیر و سیاق بررسی و تعاریف دقیقی برای هریک ارائه شده است. پایان‌بخش موضوعات این فصل نیز تبیین مختصر نظریه استقلال دلالتی آیات قرآن است.

در فصل ۲ پس از تعریف دو اصطلاح متن و دیسکورس و بیان شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری، گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن تحلیل شده است. در این بخش، ضمن بیان دلایل اثباتی گفتاری بودن زبان قرآن، این دلایل ارزیابی و نقد شده است. در پایان نیز ضمن مقایسه شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری با ویژگی‌های زبان قرآن، نوشتاری بودن زبان این کتاب آسمانی اثبات شده است.

در فصل ۳ پس از بیان دو رویکرد اصلی در رابطه میان معنای متن و قصد مؤلف، سه نظریه قصدی گرامر مورد ارزیابی و سنجش واقع شده است. این سه نظریه عبارت‌اند از: قصدی‌گرایی روان‌شناختی، قصدی‌گرایی تاریخی، قصدی‌گرایی زبان‌شناختی. در این فصل ضمن نقد دو رویکرد نخست، نظریه سوم تأیید و قصدی‌گرایی در چهارچوب دلالت متن پذیرفته شده است.

در فصل ۴ نسبت معنای متن قرآنی با فرامتن بررسی شده است. در این فصل، نخست شمول معنایی فرامتن به سه زمینه، یعنی زمینه تاریخی مفسر، زمینه تاریخی متن و زمینه دیسکورس بررسی شده است. سپس نسبت بافت، دلالت و معنا از منظر معناشناسی بررسی شده است. در ادامه سازوکارهای متنی دستیابی به فرامتن مطرح و چالش کشف فرامتن از منظر نظریه استقلالی دلالتی آیات قرآن بررسی شده است.

در فصل ۵ پس از طبقه‌بندی منابع تفسیر به دو گروه منابع «پایه- اصلی» و «تابع و پیرو» در تفسیر، نقش و جایگاه هر گروه از منابع در فهم و تفسیر قرآن بررسی شده است. در گروه منابع «پایه- اصلی»، نقش و جایگاه سه منبع قرآن، روایت و عقل در تفسیر بررسی شده است. در گروه منابع «تابع و پیرو» نیز نقش و جایگاه منابعی چون لغت و ادبیات عرب، اجماع، کشف و شهود، تاریخ، علم و غیره بررسی شده است.

در فصل ۶ که پایان‌بخش فصول این کتاب است، اصالت قراین متصل و منفصل متنی قرآنی، به‌عنوان مهم‌ترین پیش‌فرض در دلالت‌یابی استقلالی آیات قرآن بررسی شده است. در این فصل پس از بیان معنا و مقصود از قراین و توضیح مراحل سه‌گانه فهم و تفسیر استقلالی آیات قرآن، موضوع اصالت حروف، اصالت واژگان، اصالت تعابیر، اصالت سیاق به‌عنوان پیش‌فرض‌های اصلی و کلیدی در تفسیر استقلالی آیات قرآن مطرح شده است.

مفاهیم و کلیات

۱-۱ تفسیر

تفسیر در لغت از ماده «فسر» به معنای بیان، پرده برداشتن و کشف کردن است. گفته شده که این ماده، مقلوب ماده «سفر» است. راغب اصفهانی در این باره معتقد است که «فسر» و «سفر» در لفظ و معنا نزدیک به هم اند؛ زیرا هر دو به معنای کشف، پرده برداشتن و روشن کردن اند؛ با این تفاوت که «فسر» برای روشن کردن و کشف امور معنوی و درک معنای صحیح و معقول الفاظ به کار می رود، اما «سفر» برای ظاهر کردن اجسام مادی برای دیدن با چشم به کار می رود. به همین دلیل هنگامی که زن پوشش را از صورت برمی دارد، نمی گویند: «فسرت المرأة»، بلکه می گویند: «سفرت المرأة عن وجهها»^۱.

فیومی در *مصباح المنیر*، ماده «فسر» را به معنای بیان و روشن کردن می داند^۲. در *تاج العروس*، ماده «فسر» به معنای شکافتن و پرده برداشتن از امر پنهان دانسته شده است، چنان که واژه «تفسره» به معنای نظر کردن پزشک در مایع مورد آزمایش، جهت تشخیص بیماری است. روشن است که در این نگاه، نوعی کاشفیت و پرده برداری وجود دارد^۳. جوهری در *الصحاح*، ابن منظور در *لسان العرب*، طریحی در *مجمع البحرین* و سایر لغت شناسان همین معانی را برای این ماده بیان کرده اند^۴.

ابن فارس، صاحب کتاب *معجم مقاییس اللغة*، وجه مشترک همه معانی ماده «فسر» را «بیان شیء و ایضاحه»

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۱۲ و ص ۶۳۶.

۲. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۴۲۷.

۳. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج ۷، ص ۳۴۹.

۴. ر.ک: جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، ص ۷۸۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۰۱.

می‌داند.^۱ روشن است که واژه «ایضاح» در این تعبیر به روشن کردن امر پنهان و پوشیده در معنای ماده «فسر» اشاره دارد، چنان‌که بسیاری از لغت‌شناسان، «فسر» را به معنای «کشف ما غطی^۲» یا «کشف المُعْطَى^۳» دانسته‌اند و ابن فارس در تأیید معنای یادشده، واژه «تفسیر» را مثال آورده است.^۴

با توجه به آنچه درباره معنای لغوی ماده «فسر» گفته شد، روشن می‌شود که در معنای تفسیر، بر بیان، اظهار و پرده برداری از امر پوشیده تکیه شده است. از سوی دیگر از لوازم اظهار، کشف و پرده برداری، وجود خفا و پنهانی است و اگر خفا و پنهانی نباشد، اظهار و کشف معنا ندارد. براین اساس از لوازم معنایی واژه «تفسیر» (مصدر باب تفعیل و مبالغه معنایی «فسر»)، پرده برداشتن و کشف از امر پنهان و پوشیده است؛ چراکه این معنا از لوازم ذاتی ماده «فسر» است.

به گفته یکی از قرآن‌پژوهان معاصر، از سخن لغت‌شناسان این گونه استفاده می‌شود که لفظ «تفسیر» در مواردی به کار می‌رود که کلام دچار نوعی ابهام یا اجمال باشد، به گونه‌ای که در مراد متکلم ظهور نداشته باشد. از این رو، گفته شده که تفسیر، آشکار ساختن چیز پوشیده است. این نویسنده چنین نتیجه گرفته است که از نظر لغوی، تفسیر در مورد کلام روشن و واضح به کار نمی‌رود.^۵

در تعریف اصطلاحی تفسیر، معنای لغوی و اصلی ماده «فسر» یعنی کشف و پرده برداری از امر پوشیده و پنهان دیده می‌شود، چنان‌که راغب اصفهانی تفسیر را این گونه تعریف کرده است: تفسیر عبارت است از کشف معانی قرآن و بیان مراد آن؛ خواه آن معنا در واژه‌ای مشکل نهفته باشد یا واژه‌ای آسان و خواه معنای ظاهری کلام باشد یا معنای غیر ظاهری.^۶ طبرسی نیز تفسیر را به کشف مراد از لفظ مشکل تعریف کرده است.^۷ سیدابوالقاسم خوئی نیز در تعریف تفسیر معتقد است که تفسیر روشن ساختن مراد خداوند از کتاب عزیزش است.^۸ مؤلف تفسیر المیزان، تفسیر را بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن‌ها می‌داند.^۹

در کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن، پس از تحقیق شایسته‌ای در معنای لغوی و اصطلاحی واژه «تفسیر»، این اصطلاح چنین تعریف شده است: «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد خداوند متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره^{۱۰}».

۱. ابن فارس، أحمدین فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۴.

۲. ازهری، ابی‌منصور محمدبن احمد، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

۳. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

۴. ابن فارس، أحمدین فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۴.

۵. شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، صص ۱۶-۱۷.

۶. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۵: «التفسیر فی عرف العلماء کشف معانی القرآن و بیان المراد، أعم من أن یکون بحسب اللفظ المشکل و غیره و بحسب المعنی الظاهر و غیره».

۷. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹: «التفسیر: کشف المراد عن اللفظ المشکل».

۸. خوئی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۷: «التفسیر هو ایضاح مراد الله تعالی من کتابه العزیز».

۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴.

۱۰. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۳.

از مجموع تعاریف یادشده، این نوشتار به‌عنوان وجه جامع معنای لغوی و اصطلاحی واژه «تفسیر»، تعریف مؤلف تفسیر *المیزان* را با اضافه‌ای اندک ترجیح می‌دهد:

«تفسیر بیان معانی و مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آن‌هاست».

در این تعریف از تفسیر، سه سطح مورد توجه است: بیان معانی و مفاد استعمالی آیات قرآن، کشف مقاصد آیات، مدالیل آیات. منظور از «بیان معانی و مفاد استعمالی آیات قرآن»، همان معنایی است که آیات به‌خودی‌خود و با قطع نظر از سایر آیات و ادله و شواهد دربردارند. این سطح از معنا از نظر گاه اصطلاحی علم اصول، منطبق بر دلالت تصویری یا مراد استعمالی آیات است. منظور از «کشف مقاصد آیات»، کشف مراد جدی خداوند از ظاهر آیات است؛ با این قید که این سطح، دلالت‌های پنهان و عمیق کلام الهی را شامل نمی‌شود. در کنار این سطح از معنا، سطح سوم، یعنی «مدالیل آیات» قرار دارد که دلالت‌های پنهان و عمیق کلام الهی را نیز دربرمی‌گیرد. روشن است که در این تعریف با توجه به کنار هم قرار گرفتن مدالیل و مقاصد، منظور از مدالیل، کشف دلالت‌های کلام الهی به‌طور مطلق نیست تا گفته شود ممکن است این دلالت‌ها داخل در قصد و اراده خداوند باشد یا نباشد، بلکه منظور دلالت‌هایی است که در قصد و اراده خداوند قرار می‌گیرد^۱.

در پایان، یادآوری این نکته ضروری است که با توجه به ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی «تفسیر»، به‌نظر می‌رسد که رسالت تفسیر شامل مواردی است که آیه یا آیات، ابهام یا اجمالی دارند و این ابهام یا اجمال در فرایند کشف و پرده‌برداری برطرف می‌شود. بنابراین تفسیر مواردی را که آیه خود روشن و بیان است، دربر نمی‌گیرد. همچنین گفتنی است که تعریف یادشده از «تفسیر»، با قید «استقلالی» به آن دسته از فهم‌ها و برداشت‌های تفسیری محدود است که با توجه به منبع بودن مستقل قرآن در تفسیر و استقلال دلالتی آیات به‌دست می‌آیند.

۱-۲ مبانی تفسیر

«مبنای» جمع مبنای در لغت به‌معنای «بنیاد»، «شالوده»، «بنیان»، «اساس» و «پایه و ریشه» به‌کار رفته است^۲. مبنای هر چیزی پایه و اساس آن چیز است. برای مثال، اساس و مبنای کتابت را حروف گفته‌اند؛ زیرا براساس آن جمله و متن شکل می‌گیرد؛ مبنای ساختمان نیز پی و شالوده آن است که ساختمان بر آن استوار می‌شود. در زبان عربی، ماده «بنی» دراصل به‌معنای برپا کردن و ساختن چیزی با ضمیمه کردن بعضی از اجزای آن بر بعض دیگر است^۳. بنابراین واژه «مبنا»، اسم مکان از این ماده (محل بنا)، به‌معنای اساس و پایه‌ای است که بر آن چیزی استوار می‌شود.

۱. در این باره در فصل ۳ همین کتاب، ذیل عنوان «۳-۱-۳-۲-۳ دیدگاه عالمان مسلمان» با تفصیل بیشتر سخن گفته شده است.
۲. ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۱۱۹؛ معین، محمد، فرهنگ معین (یک جلدی فارسی)، ص ۱۳۷۴؛ انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، ص ۶۶۰۳.
۳. ابن‌فارس، أحمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۲.